



ستایش: ملکا ذکر تو گویم

۱- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی



قلمرو زبانی: ملک: پادشاه، خداوند، نقش "منادا" / ذکر: یاد / مرجع ضمیر "تو": خداوند / که: زیرا / توأم:

جهش ضمیر (تو، به من) // **قلمرو ادبی:** قالب شعر: غزل / وزن: فعلاتن فعلاتن فعلاتن، (رشته

انسانی) / **لحن:** ستایشی

جمله پایانی به دو صورت معنی می‌گردد:

۱- که تو راهنمای منی [تو: نهاد / راهنما: مسند/ ام(من): مضاف الیه / یی: مخفف "هستی"]

۲- که تو به من راه را نمایی (= نشان دهی) [تو: نهاد/ ام(من): متمم/ راه: مفعول/ نمایی: فعل]

بازگردانی: ای پادشاه (خداوند) نام تو را بر زبان می‌آورم؛ زیرا تو پرورگار پاکی. فقط در راهی که تو به من نشان می‌دهی گام می‌گذارم.

پیام: یادکرد خداوند/ فرمانبرداری از خدا

۲- همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

قلمرو زبانی: همه: فقط، تنها / درگاه: بارگاه / **جستن:** جستجو کردن (بن ماضی: جست، بن مضارع: جو) / **فضل:** بخشش، کرم / **پویدن:** تلاش،

رفتن، حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و جوی چیزی / **توحید:** یکتایی / سزا: سزاوار و شایسته (بن ماضی: سزید، بن

مضارع: سز) / **قلمرو ادبی:** **جویم، پویم، گویم:** جناس ناهمسان / **سجع / همه، تو، توحید:** تکرار، واژه‌آرایی / **واج‌آرایی:** تکرار صامت «ت»

«م»/ **قافیه درونی** (رشته انسانی)

بازگردانی: فقط بارگاه تو را جست و جو می‌کنم. تنها به خاطر فضل و بخشش توست که حرکت می‌کنم. فقط توحید و یگانگی تو را بر زبان می‌آورم؛

زیرا تو سزاوار یگانگی و توحیدی.

پیام: وابستگی بشر به خداوند

۳- تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی



قلمرو زبانی: حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست کردار / **عظیم:** سترگ / **کریم:** بخشنده، بزرگ منش / **رحیم:** بسیار مهربان / **نماینده:** نشان دهنده، نشانه، نماد / **ثنا:** ستایش، سپاس (هم‌آوا: سنا: روشنایی) / **قلمرو ادبی:** تو: تکرار / **واج‌آرایی:** تکرار صامت "ت" و مصوت‌های "و" و "ی" / **بازگردانی:** تو دانا، بزرگ و بخشنده ای. تو دارای فضل و بخشش بی‌نهایت و سزاوار حمد و ستایشی.

پیام: یادکرد صفات خداوند

۴- نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

قلمرو زبانی: وصف: توصیف / **فهم:** درک، دریافت / **گنجیدن:** جا گرفتن (بن ماضی: گنجید، بن مضارع: گنج) / **شبه:** مانند، مثل، همسان / **وهم:** گمان، پندار، خیال / **قلمرو ادبی:** آرایه "موازنه"، (رشته انسانی) / **فهم، وهم:** جناس ناهمسان / جمله "نتوان شبه تو گفتن": تلمیح به "لیس کمثله شیء"

بازگردانی: توصیف تو را نمی‌توانم برشمرد؛ زیرا در فهم و ادراک محدود انسان نمی‌گنجی. نمی‌توانمانندی برایت آورد؛ زیرا تو حتی به وهم و خیال نیز در نمی‌آیی.

پیام: وصف ناپذیری خداوند

۵- همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری همه جودی و جزایی

قلمرو زبانی: همه: فقط، سراسر / **عزّ:** ارجمندی، گرمی شدن، مقابل ذلّ / **جلال:** بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد / **یقین:** بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد / **سرور:** شادی، خوشحالی / **جود:** بخشش، سخاوت، کرم / **جزا:** پاداش کار نیک / **قلمرو ادبی:** ترصیع (رشته انسانی) / **همه:** تکرار / **واج‌آرایی:** تکرار مصوت "ای" و مصوت کوتاه "و" / **بازگردانی:** تو فقط ارجمندی و شکوه‌مندی. تو فقط دانش و یقینی. تو فقط نور و شادمانی و بخشش و پاداشی.

پیام: یادکرد صفات خداوند

۶- همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی

قلمرو زبانی: غیب: پنهان / **پوشیدن:** پوشاندن (فعل دووجهی) / **بیشی:** افزونی، زیادی / **بگاهی:** از مصدر "کاستن": کم می‌کنی (بن ماضی: کاست، بن مضارع: کاه) / **فزایی:** بیفزایی، زیاد و افزون کنی / **قلمرو ادبی:** غیب، عیب: جناس ناهمسان / **همه غیبی تو بدانی:** اشاره به "عالم الغیب" بودن خداوند / **بیشی، کمی:** تضاد / همه عیبی تو بپوشی: اشاره دارد به "ستّار العیوب" بودن خداوند / **بگاهی، فزایی:** تضاد / **ترصیع** (رشته انسانی) /



همه، تو: تکرار / تلمیح به آیه " تعزّ مَنْ تَشَاءُ وَتَدَلّ مَنْ تَشَاءُ" (خداوند) هر که را بخواهد گرمی می‌گرداند و هر که را بخواهد خوار) / واج‌آرایی:
تکرار مصوت /ی/

بازگردانی: (خداوندا) تو به همه امور ناپیدا آگاهی و همه عیب‌ها را می‌پوشانی. کم و زیاد شدن‌ها به دست توست.

پیام: دانایی و پرده پوشی خداوند

۷- لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

قلمرو زبانی: مرجع "ش" در "بودش": سنایی (جهش ضمیر) / سنایی (هم‌آوا؛ ثنایی: ستایشی) / بود: باشد (بن ماضی: بود، بن مضارع: بو) / قلمرو

ادبی: لب و دندان: تناسب، مجاز از "کل وجود" / سنایی: نام هنری سراینده / مگر: ایهام، (۱- امید است، ۲- شاید) / آتش، دوزخ: تناسب / روی:

چاره، امکان، راه، ایهام تناسب («روی» در معنای «چهره» با لب و دندان تناسب دارد.)

بازگردانی: همه وجود سنایی یگانگی تو را می‌گویند. امید است (شاید) که بتواند [راه] رهایی از آتش دوزخ را بیابد.

حکیم سنایی غزنوی (۴۷۳-۵۴۵ قمری)

پیام: ستایش خداوند